

برای کمک به معلمان متحصن

پیاخیزیم

جعفر پویه
تحصن و اعتصاب معلمان و فرهنگیان سراسر کشور، نخستین هفته خود را سپری کرد. پس از ملاقات نمایندگان معلمان با مجلسیان و پاسخ بی شرمانه شیخ مهدی کربویی رئیس مجلس ارتجاع به آنان، تحصن و اعتصاب معلمان شروع شد. با توجه به سرکوب بی رحمانه اوباش و چماقداران امنیتی و غیر امنیتی رژیم جنایت پیشه و تهاجم آنان به راهپیمایی معلمان به جانب کاخ ریاست جمهوری، این دور اعتراضات با هشیاری بیشتری شروع شده است. معلمان و کارکنان آموزش و پرورش، یکی از اقشار زحمتکش و تهیدست در میان مزدبگیران ایرانی است که با وجود حجم کار سنگین، حداقل دستمزد را دریافت می کنند. اما رژیم جمهوری اسلامی همین حداقلها را هم از آنان دریغ می کند و با بهانه های بی شمار از پرداخت مطالبات معوقه آنان نیز سرباز می زند. و این در حالی است که نهادهای امنیتی و دسته جات اوباش و جانی تحت نامهای متفاوت از بودجه دولتی استفاده می کنند، به با زد و بند های بسیار به غارت سرمایه های عمومی می پردازند و هر ساله در ردیف بودجه، مبلغ اختصاص داده شده به آنان بالاتر می رود.

ارتش و سپاه پاسداران بخش اعظم درآمد ملی را دریافت می کنند تا ارگان سرکوب هر روز فربه تر شود. باندهایی همچون کمیته امداد تحت امر عسکر اولادی، بخشی از بودجه را هزینه پرورش سعید عسگرها می کند، و صدها باند و دسته رنگارنگ دیگر انگل که بجز تولید مزاحمت برای مردم و صدور تروریست وظیفه دیگری ندارند، در بودجه تنظیم شده توسط دولت به ظاهر "اصلاح طلب"، مکان ثابتی را به خود اختصاص داده و با توجه به نرخ تورم و چانه زنی از بالا، در پشت پرده چه بسا از حد خود نیز بیشتر دریافت داشته اند. اما کارکنان آموزش و پرورش از این حق محروم بوده و عوامل حکومتی، توجهی به وضعیت معیشتی آنان که زیر خط فقر قرار دارد، نداشته و ندارند. به همین دلیل همزمان با طرح بودجه در مجلس بی بو و خاصیت اصلاح طلب، صدای اعتراض این قشر زحمتکش بلند می شود. ولی گوش سردمداران رژیم صدای آنان را نمی شود و به همین دلیل دست به تحصن و اعتصاب زده اند. اما رژیم جمهوری اسلامی با تحریم خبری آنان اجازه

مصاحبه

بقیه از صفحه ۱۲

برابر حکومت منسجم را برآورده می کند. این نیاز را اعتصاب آنها به صورت لمس پذیر مطرح کرد و همزمان تاثیرات راهگشا و نادیده نگرفتنی اتحاد عمل و حرکت متشکل را به نمایش گذاشت. جنبش معلمان به این تجربه حتما تکیه خواهد زد.

س - ما در هفته گذشته اعتراض مردم بهم نسبت به شرایطشان را داشتیم. ممکنه به جزئیات این مساله و ریشه های آن هم اشاره ای داشته باشید؟

ج - بله حتما. خیزش بازماندگان زلزله بهم، در اعتراض به شرایط همچنان نامساعدی که با اون روبرو هستند، شکل گرفت. زلزله زده ها هنوز در چادرهای غیراستاندارد و بدون حداقل امکانات زیستی زندگی می کنند. مردم از امکانات بهداشتی محروم مانده اند، بازسازی شهر ابدایش نمی رود، از کار و درآمد هیچ خبری نیست و اغلب آنها برای گرفتن آب آشامیدنی شان هم باید التماس کنند. اخباری که از شهر بهم می رسد، بیانگر رواج بیماریهای پوستی، ناپدید شدن کودکان خردسال، چپاول کمکهای ارسالی و نارسایی فاحش در امر تغذیه است و این موقعیتی است که مسوولان حکومت، هر بار که در باره اش مورد سوال قرار گرفته اند، وعده تغییر و بهبود آنرا داده اند. مردم به جای دریافت حتی بخشی از صدها میلیون دلار کمک نقدی و جنسی که برای آنها پرداخت و ارسال شده، تابه حال فقط همین وعده های شفاهی را دیده اند. کاسه صبرمردمی که با چنین شرایطی دست و پنجه نرم می کنند و از طرف دیگر تبلیغات مداوم حکومت را در مورد کمک به زلزله زدگان و دریافت کمکهای خارجی و داخلی را می شنوند، لبریز شده. به همین دلیل هم مطالبه اصلی آنها در جریان تظاهرات اخیرشان، به دست گرفتن امور شهر و کنترل و نظارت بر تمامی کمکهای ارسالی نقدی و جنسی از داخل و خارج بود.

این همان مطالبه ای است که سازمان ما در ابتدای وقوع این فاجعه مطرح کرد، یعنی خواهان به دست گرفتن مستقیم کمکها و توزیع آنها توسط مردم شد و به همین صورت از کمک کنندگان خواست که اعانه های خودشان را در اختیار مراکز و نهادهای مستقل و غیردولتی و حکومتی بگذارند. دلیلش هم واضح بود. فساد مالی و میزان آمادگی نهادهای مختلف حکومت برای انباشتن جیب خودشان از سفره ی

کمکهای نقدی و جنسی انسان دوستانه، قبلا و در جریان فجایع طبیعی دیگری مثل زلزله های رودبار و منجیل و کازرون اثبات شده. و علاوه بر این، مردم زلزله زده این مناطق، با وجود اینکه چندین سال از پیش آمد زلزله می گذرد، هنوز سرپناه ندارند و همچنان با پیامدهای زمین لرزه دست به گریباندن. بنابراین برای جلوگیری از تکرار وقایع گذشته در مورد بهم و مردم زلزله زده اش، لازم بود که تاجایی که امکان دارد، جلوی تاخت و تاز جمهوری اسلامی روی ویرانه های بهم و پایکوبی راهزنها ی آن روی سرنوشت دشوار مردم گرفته بشود.

هزاران نفر از مردم بهم جمع شدند تا مانع همین امر بشوند. حکومت هم که ظاهرا قصد ندارد از پای این سفره مجانی بلند بشود، با فرستادن تفنگچی ضد شورش و چماق بدست اطلاعاتی، علیه این خواسته و بیان کنندگانش وارد عمل شد. البته تظاهر کنندگان هم به دفاع از خودشان برخاستند و خسارتی به تاسیسات و تجهیزات دولتی وارد آوردند. اجازه بدهید برای روشن تر شدن موضوع تاراج کمکها به یک مثال اشاره کنم. در نزاعی که ظاهرا برسر تقسیم اموال و داراییهای سرقت شده بین چند نهاد حکومت در گرفته و علنی شده، یکی از طرفها، یعنی رییس جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی، شکایت می کند که از نزدیک ۱۲ میلیون دلار کمکهای خارجی که به آدرس هلال احمر ارسال شده، فقط ۱ میلیون و ۹۴۸ هزار دلار به دستش رسیده و معلوم نیست بقیه اش چه شده. البته رییس جمعیت مزبور، شریک جرمهای خودش رو می شناسد و دوتا از آنها یعنی وزارت امور خارجه و وزارت اقتصاد و درایی را لو می دهد. و بعد برای متقاعد کردن شاه دزدها به برگرداندن اموال، آنها را به "نظام" سوگند داده و می گوید، نامشخص بودن مکان کمکهای مالی خارجی، اعتبار بین المللی جمهوری اسلامی را خدشه دار می کند و این موضوع اصلا برای آن خوب نیست. وزارت خارجه هم در جواب عنوان می کند که نزدیک به ۷ میلیون و ۵۰۰ هزار دلار کمک نقدی دریافت کرده که در نهایت پاکدامنی همه شان را به ارگانهای ذی ربط تحویل داده.

این داستان می تواند تا بی انتها ادامه داشته باشه و آدرس سارقین مرتب عوض بشود. تنها مساله ی مشخص در تمام این ماجرا این است که مردم زلزله زده بهم، هیچ سهمی از کمکهایی که جمهوری اسلامی به اسم آنها اخذی کرده، ندارند.